

گام بلند خنثی سازی تحریم‌ها؛ حضور مقامات عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی ۸ کشور ظرف ۲ ماه در تهران

# تابستان داغ دیپلماسی اقتصادی

ارتقای دیپلماسی اقتصادی با تجارت منطقه‌ای و ارتباط اقتصادی با کشورهای همسو، اقدامی در راستای خنثی سازی تحریم‌هاست



## اتحادیه

## بازنده‌های اروپایی

سقوط دولت ایتالیا، اختلافات اخیر با انگلیس و معضل امنیت انرژی، اتحادیه اروپایی را به متضرر اصلی جنگ اوکراین تبدیل کرده است

کشانندن ایتالیا از بحران اقتصادی ایجادشده بعد از پاندمی کرونا بود. عبور ایتالیا از این مرحله اما باعث نشد درآمی به یک شخصیت محبوب تبدیل شود، بلکه همان ارزی که او را به قدرت رسانده بودند، به خاطر اختلاف دیدگاهی که با یکدیگر داشتند، در نهایت نوک پیکان حملات خود را به سمت او نشانه رفتند. ماریو دراگی اما به سرعت در این باره کوتاه آمد و به یکباره استعفا کرد. به این دلیل است که او اسناد انتقاد از تمام سیاست‌های دولتی است و در صورتی که حزب او برنده میدان باشد، هیچ درکی از گرفتن تصمیمات سخت برای اداره کشور ندارد.

■ از قهرمان اروپا تا منفور ایتالیا

ماریو دراگی تا پیش از به دست گرفتن سکان هدایت ایتالیا در سال ۲۰۲۱، رئیس بانک مرکزی اروپا بود. او به عنوان فردی یاد می‌شود که در زمان تصدی این سمت، توانست یورو را از مرگ حتمی نجات دهد و دغدغه‌ها مشترک، افکار مشترک، نتیجه‌گیری‌ها مشترک، مواضع مشترک و نوعی یگانگی باورنکردنی با غرب که حتی شاید برای خود غرب هم عجیب باشد و مضحک.

که همچنان چون شبی بر فراز ایتالیا حضور دارد. این مساله زمانی خطرناک‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از تحلیلگران ایتالیایی بر این عقیده‌اند محبوبیت حزب برادران ایتالیا و رئیس این حزب، خاتم «جورجیا ملونی» نه به خاطر داشتن ایده‌های خاص برای حکمرانی، بلکه به این دلیل است که او اسناد انتقاد از تمام سیاست‌های دولتی است و در صورتی که حزب او برنده میدان باشد، هیچ درکی از گرفتن تصمیمات سخت برای اداره کشور ندارد.

■ از قهرمان اروپا تا منفور ایتالیا

ماریو دراگی تا پیش از به دست گرفتن سکان هدایت ایتالیا در سال ۲۰۲۱، رئیس بانک مرکزی اروپا بود. او به عنوان فردی یاد می‌شود که در زمان تصدی این سمت، توانست یورو را از مرگ حتمی نجات دهد و دغدغه‌ها مشترک، افکار مشترک، نتیجه‌گیری‌ها مشترک، مواضع مشترک و نوعی یگانگی باورنکردنی با غرب که حتی شاید برای خود غرب هم عجیب باشد و مضحک.

از سال ۲۰۱۸ تاکنون که احزاب متعدد با اجماع خود توانستند دولتی پوپولیست را در این کشور تشکیل دهند، همگی گمان می‌کردند با این کار توانسته‌اند بر جنبش‌های راست‌گرا و چپ‌گرای افراطی بیروز شوند اما در نهایت گسست‌دگی افکار و ایده‌های هر کدام از سیاستمدارانی که در این ائتلاف حضور داشتند، نه تنها گروه‌های سیاسی را درگیر حواشی و جنگ‌های روزانه برای پیشبرد اهداف خود در دولت کرد، بلکه باعث عصبانیت رای‌دهندگان و عدم اطمینان و اعتماد آنها به این ائتلاف شد. از همین رو به نظر می‌رسد این بار ایتالیا بیشتر از هر زمان دیگری امکان دارد در دام احزاب راست‌گرای افراطی بیفتد و بیشتر از این به سمت پوپولیسم و ملی‌گرایی و عدم همکاری با اتحادیه اروپایی پیش رود.

نظرسنجی‌ها هم چنین نظریه‌ای را تقویت می‌کند. بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها دولت بعدی به احتمال زیاد، ائتلافی از احزاب راست‌گرای افراطی خواهد بود؛ از برادران ایتالیا گرفته تا حزب «سیلیو برلوسکونی»

## ایتالیا؛ شروع دومینوی بحران سیاسی در غرب

بود اما به نظر نمی‌آمد به این زودی‌ها رخ دهد، زیرا در میانه یک جنگ در اروپا، مبارزه ایتالیا با تغییرات آب و هوایی و آتش‌سوزی‌های گسترده در این کشور و مهم‌تر از همه، کمی قبل از دیدار مهم دولت این کشور با مسوولان بانک مرکزی اروپا، رخ داد.

این بحران زمانی رخ داد که «جوزپه کنته» رهبر حزب ۵ ستاره ایتالیا که نخست‌وزیر این کشور تا فوریه ۲۰۲۱ بود، روند فروپاشی کابینه را تسهیل کرد و «متسو سولونی» رهبر حزب «لگا نورد» نیز حمایت خود از دولت را قطع کرد. دولت درآمی فوریه ۲۰۲۱ در قالب دولت وحدت ملی ایتالیا با حضور احزابی چون حزب دموکرات، جنبش ۵ ستاره، فرور ایتالیا و سایر احزاب کوچک‌تر راست و چپ میانه شکل گرفت. عدم حمایت ۲ حزب اصلی یعنی جنبش ۵ ستاره به رهبری جوزپه کنته و لگانورد به رهبری متسو سولونی از دولت درآمی، در نهایت ایتالیا را در اوج بحران‌های اقتصادی‌اش با مساله بی‌دولتی و ضرورت برگرزی دوباره انتخابات روبرو کرد.

باید داشت

فرزانه دانایی: ایتالیا بار دیگر با استعفاي نخست‌وزیر، به بحران اصلی بحران سیاسی در ایتالیا ناشی از روی کار آمدن فضای حمایت از پوپولیست‌ها در انتخابات سال ۲۰۱۸ بود که طی چندین دوره، سیکل حرکت سیاسی ایتالیا از پوپولیست‌های چپ به سمت پوپولیست‌های راست را هموار کرد. این چرخه پرانشیاب، بار دیگر در طول چند روز گذشته باعث استعفاي نخست‌وزیر و فروپاشی کابینه شد. تلاش هر ۲ گروه چپ و راست میانه برای به دست گرفتن قدرت در ایتالیا در طول چند سال گذشته، در نهایت منجر به شکل‌گیری دولت «ماریو دراگی» شد که ترکیبی از احزاب چپ و راست میانه‌رو اما پوپولیست بود. روی کار آمدن این دولت و ناکارآمدی آن در نهایت موجب رشد روزافزون تمایل به احزاب دست راست افراطی مانند «برادران ایتالیا» شد که حالا گمان می‌رود بیشتر از باقی احزاب بتوانند در انتخابات آتی رای جمع کنند.

به احزاب دست راست افراطی مانند «برادران ایتالیا» که حالا گمان می‌رود بیشتر از باقی احزاب بتوانند در انتخابات آتی رای جمع کنند.

فروپاشی کابینه درآمی در ایتالیا، با وجود اینکه از آن دست اتفاقاتی بود که از مدت‌ها قبل قابل پیش‌بینی

و عزت ملت نشان می‌دهند. به تمام مؤلفه‌های نرم و سخت قدرت ایران می‌تازد و چشم دیدن و نشان دادن و بازگو کردن هیچ موفقیتی را ندارد. در مقابل، هر اشتکال جزئی را تا بتوانند برجسته و بزرگ می‌کنند تا آثار روحی و روانی آن چندین و چند برابر شود و درد آن در ذهن و جان و خاطر‌ها باقی بماند. غرب را بیش از غرب باور کرده‌اند و قلوبشان بیش از آنان برای رسیدن به غرب می‌تپد.

در میان مردم به زبان قوم سخن می‌گویند تا آنچه را آنان نمی‌دانند و نمی‌توانند به آسانی فراهم کنند و قید و بندها را از دست آنان باز کنند. به هر لباسی در می‌پوشند و در هر قلبی می‌گنجند و با هیاهو و غلغله‌های رنگارنگ و هر روزه خود پشت جبهه را تا حد امکان در هم ریخته و مشوش می‌کنند تا خط مقدم را ناچار به عقب‌نشینی کنند. هیچ موضوعی بر زبان خصم نمی‌چرخد مگر اینکه همزمان و همزمان آن را بی می‌گیرند و عملیاتی می‌سازند. گویی مانند آنان می‌اندیشند و مانند آنان می‌فهمند. حتی گاهی از آنان پیش می‌افتند و آنچه را که برای آنان امید و آرزوست برای ایشان خاطره می‌شود.

برخی رسانه‌ها بشدت «کن» بزه شده‌اند و آرزوی‌شان این است که تا کمر خم شده دست غرب را ببوسند و به خاطر جایزه‌ای که دریافت می‌کنند، به هر خواسته آنان تمکین کنند و در خدمت آنان باشند. \* پژوهشگر مسائل سیاسی

در دست در خیابان‌های شهر قدم برهنده مصالحه کند و به رسمیت بپشناسد.

تمام احکام اجتماعی تعطیل شود و دین با تمام اصل و فرعی از حکومت زوده شود. این رسانه‌ها هر چند خود را ایرانی و وفادار به ایران و حتی گاهی مسلمان و وفادار به اسلام و متعصب در اسلام معرفی می‌کنند اما هیچ وقت با غرب اسلام‌ستیز ایران‌ستیز که هیچ فرصتی را برای ضربه زدن هدر نداده زاویه پیدانمی‌کنند. سیاست‌ها مشترک، مساله‌ها مشترک، دغدغه‌ها مشترک، افکار مشترک، نتیجه‌گیری‌ها مشترک، مواضع مشترک و نوعی یگانگی باورنکردنی با غرب که حتی شاید برای خود غرب هم عجیب باشد و مضحک.

برای وحشت‌آفرینی بین مردم نسبت به حکومت، آن را متحد با طالبان و هیتلر و صدام و القاعده و داعش و صهیونیسم و همه جنایتکاران امروز و دیروز جلوه می‌دهند و تصویری هیولایی از جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارند. کوچک‌ترین تحرکات جمهوری اسلامی را که در تقویت دین و تضعیف فرهنگ منحنط غرب باشد زیر سؤال می‌برند و برای رفع هر نوع سوءتفاهمی نسبت به غرب توضیح و تحلیل ارائه می‌دهند. غرب را حق و خود را حقیق طلب و وفادار به حقیقت و جمهوری اسلامی را باطل و دشمن ملت

رسانه‌های «کن» یزه شده

گشوده و برای نجات ایران و ایرانی از دست نیروهای اهریمنی از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند.

گویی هیچ نکته مثبت و نقطه روشنی در زمین و آسمان ایران وجود ندارد و چشم‌اندازی پیش روی حکومت نیست و جمهوری اسلامی تمام منافذ تنفس را به روی مردم بسته و تا توانسته جهان را نامن و ناآرام کرده و باعث شده غرب، ما را تحریم کند، غذا و دارو ندهد، با ما جنگ کند، علیه ما توطئه کند و قطعنامه صادر کند، ما را در آسمان و زمین ترور کند و هواپیمای مسافری‌مان را بزند، دانشمندان ما را ترور کند و تا می‌تواند در کشور ما قتل و خرابکاری کند. وای از مظلومیت غرب... .

رسانه‌هایی که به صورت کاملاً اتفاقی همواره در کنار جنایتکاران متجاوز ایستاده‌اند و تمام تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های‌شان تظهير غرب، بویژه آمریکا و تخریب و تحقیر ایران و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و اسلام و هر آنچه بوی دین دارد، است، البته از دین استفاده می‌کنند، آن هم فقط یک جا، آنجایی که بخواهند جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و ولایت‌فقیه را زیر ضرب ببرند و نشان دهند باید دین از سیاست جدا شود و دوباره بعد از چند دهه به انزوا رانده شود یا با تمام مظاهر فساد و فحشا و ظلم و خیات همراه شده، شانه به شانه، سایه به سایه، دست

دیدگاه

سعید توتونکار: تلاش‌های فراوان رسانه‌های غربی برای وارونه نشان دادن واقعیات ایران در جهان بر کسی پوشیده نیست، البته نمی‌توان انتظار داشت رسانه‌ای بی‌طرف باشد و بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی وارد دنیای خبر شود اما می‌توان انتظار دشمنی جوانمردانه را داشت اما نه از کسانی که هیچ‌گاه از هیچ فرصتی برای جرم و جنایت و استعمار و استثمار علیه ایران و ایرانی فروگذار نکرده‌اند. چه آن زمانی که فرصت به یغما بردن ثروت‌های ملی را داشتند و چه زمانی که امکان تسلط بر حکومت‌ها را داشتند و چه زمانی که از هر جهت علیه ایران جبهه‌های بازطراحی کردند و تاختند. رسانه هم یکی از همان جبهه‌های بازطراحی همان سلاح‌هاست. صنعت فیلمسازی نیز یا به پای رسانه‌های خبری، ویروس ایران‌ستیزی را انتشار داده است، فیلم‌هایی که علیه ایران و جامعه ایرانی و اسلام و جمهوری اسلامی ساخته شده و تاریخ گذشته و معاصر ما را سیاه و پر از بدبختی و نکبت نشان می‌دهند. جشنواره کن یکی از آن بسترهایی است که فرصت‌های خود را به صورت آشکار و غیرحرفه‌ای در اختیار کسانی قرار داده که می‌خواهند چهره‌ای هر چه تاریک‌تر از ایران به نمایش بگذارند؛ حقد و کینه‌ای که همه ساله به بهانه‌های نو می‌شود و اجازه نمی‌دهد خاطره تلخ آن در ذهن‌ها کهنه شود. هر سال فیلم‌ها و بازیگرانی غالباً ایرانی که داخل و خارج از کشور در صنعت سینما فعالند و

### تیتراهای امروز

در پی بارش سیل آسا در استهبان فارس ۲۱ نفر جان باختند و ۲ نفر مفقود شدند

## سیل غافلگیری

حضور دستگاه‌های دولتی، سپاه نیروهای امدادی و جهادی در منطقه سیل‌زده رئیس کل دادگستری استان فارس: مقصران حادثه تحت تعقیب قرار می‌گیرند



رفع ایرادات شورای نگهبان به طرح شفافیت قوای سه‌گانه در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد

## مصمم بر شفافیت

صبح دیروز در محل جنایت

## قاتل شهید رنجبر قصاص شد

نظر سنجی دانشگاه کالیفرنیا نشان می‌دهد

## آمریکادرا انتظار جنگ داخلی

رسانه آلمانی: پوتین از ایران می‌آموزد تحریم‌ها چگونه شکسته می‌شود

## پای درس ایران

### نگاه

## اردک لنگ بایدن و اعتراف سناتور آمریکایی به قدرت ایران

مهدی گرگانی: جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا پس از ماه‌ها بالاخره تصمیم گرفت به منطقه غرب آسیا سفر کند. تاخیر در سفر به منطقه از سوی بایدن به این دلیل بود که او قصد داشت زمانی به غرب آسیا سفر کند که بتواند اهداف ایالات متحده را محقق کند و جایگاه سسست و واشنگتن در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای را بهبود بخشد.

با این حال تقریباً اغلب تحلیلگران معتقدند سفر بایدن به سرزمین‌های اشغالی و عربستان سعودی کاملاً شکست خورده و رئیس‌جمهور آمریکا با بدستان خالی منطقه را ترک کرده است. ترکش‌های این شکست‌نهنده‌ها در محافل رسانه‌های بلکه به محافل سیاسی آمریکا نیز زورز کرده و اکنون مسیجیل شد است کاخ سفید نه تنها به اهداف اقتصادی خود دست نیافتد بلکه درباره ایران نیز نتوانست در این سفر کاری از پیش ببرد. تام کاتن، سناتور جمهوری‌خواه آمریکا‌سیاست دولت بایدن در قبال ایران را به باد انتقاد گرفت و با اشاره به تحولات اخیر در مذاکرات هسته‌ای و توسعه توانایی‌های نظامی ایران تأکید کرد بایدن جرات ایستادگی در برابر ایران را نداشته است.

کاتن در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز گفت: «می‌بینید که ایران در حال شلیک موشک به نزدیکی کنسولگری‌هایی است که ما در عراق داریم. آنها به حمایت از تروریسم در سراسر منطقه ادامه می‌دهند و به سطح غنی‌سازی اورانیوم نزدیک به گریز هسته‌ای رسیده‌اند.» کاتن افزود: «همه اینها در زمان جو بایدن اتفاق افتاد، زیرا مقامات ایرانی می‌دانستند جو بایدن جرات ایستادن در برابر آنها را ندارد.» درباره ادعاهای کاتن در زمینه گریز هسته‌ای باید گفت ایران همچنان به همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه می‌دهد و بازرسان آژانس غیر از نظارت‌های فرایدمانی، بقیه وظایف خود را انجام می‌دهند. اما درباره اینکه بایدن جرات ایستادن در برابر ایران را نداشته است، حق کاملاً با این سناتور است. واقعیت این است که به‌رغم تأکید بایدن در کارزار انتخاباتی برای حل‌وفصل فوری مسائل مربوط به ایران از جمله توافق هسته‌ای و به‌رغم نیاز وافر ایالات متحده به برجام، بویژه بعد از شروع جنگ اوکراین و بحران انرژی در جهان، ایران منطقه و قاطعانه در برابر خواسته‌های واشنگتن ایستادگی و تأکید کرد تا زمانی که شروط ایران ذیل برجام محقق نشود و تضمینی درباره آن گرفته نشود خبری از احیای برجام نخواهد بود. درباره ترس آمریکا از ایران باز هم حق با تام کاتن است، چرا که مشخصه مذاکرات هسته‌ای در دولت جدید ایران تفاوت اساسی با دولت قبل دارد.